



The Quranic Legacy of Imam Hadi (A.S.); A Review*

Ebrahim Rezaei Adriani^۱

Abstract

Ali bin Muhammad al-Naqi (A.S.), the ninth true leader and equal to the word of revelation and not-separated from Quran according to the Hadith of Saqlain. However, there is not much independent research work related to his life and Quranic sayings. Therefore, it is necessary to extract his Quranic heritage from the traditions. The present research aims to review the Quranic legacy of the His Excellency, with a historical and theological perspective, to separate and analyze this precious treasure. So, by using his narrative, exegetical, theological and historical sources, Quranic works of His Holiness are classified in four parts: the training of the interpreter, the codified work of interpretation, dealing with deviations and Quranic statements. The result is that Imam Hadi (A.S.), in addition to interpreting numerous verses of the Quran and training interpreters, applied the best measures and thwarted the plans of the enemies by adhering to the Holy Quran in the seditions and deviations of his era. Also, in various areas of exegesis and interpretation (Ta'wil), he has explained the divine verses but [regretfully] a large part of them has not reached us.

Keywords: Quran, Imam Hadi (a.s.), Narrative Exegesis, Interpreter's Training, the Ordeal / Trial of the Quran.

*. Date of receiving: ۱۵/۰۵/۲۰۲۱, Date of approval: ۰۷/۰۶/۲۰۲۲.

^۱. Faculty Member of Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran; (erezaei@gmail.com).



مقاله علمی - ترویجی

کاوشی در میراث قرآنی امام هادی علیه السلام *

ابراهیم رضایی آدریانی^۱

چکیده

علی بن محمد النقی علیه السلام نهمین پیشوای برحق و به حکم حدیث ثقلین، هم‌تراز کلام وحی است و از آن جدایی ندارد. با این وجود چندان اثر پژوهشی مستقلی در رابطه با سیره و سخنان قرآنی آن حضرت به چشم نمی‌خورد. از این رو ضرورت دارد میراث قرآنی ایشان از میان روایات، استخراج گردد. تحقیق حاضر در صدد است ضمن مروری بر میراث قرآنی آن حضرت، با نگرش تاریخی و کلامی به تفکیک و تحلیل این گنجینه ارزشمند پردازد. بدین منظور با بهره‌گیری از منابع روایی، تفسیری، کلامی و تاریخی، آثار قرآنی آن حضرت را در چهار بخش تربیت مفسر، اثر تفسیری مدون، مقابله با انحرافات و بیانات قرآنی دنبال کرده است. نتیجه آنکه امام هادی علیه السلام علاوه بر تفسیر آیات پرشماری از قرآن و تربیت مفسر، در فتنه‌ها و انحرافات عصر خود با تمسک به قرآن کریم بهترین تدابیر را اعمال و نقشه‌های دشمنان را خنثی نمودند. همچنین در ساحت‌های مختلف تفسیر و تأویل، به شرح و تبیین آیات الهی پرداخته‌اند که البته بخش زیادی از آن به‌دست ما نرسیده است.

واژگان کلیدی: قرآن، امام هادی علیه السلام، تفسیر روایی، تربیت مفسر، محنة القرآن.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷.

۱. عضو هیات علمی جامعه المصطفی، اصفهان، (erezaei@ymail.com).



مقدمه

صادقین (ع) در میان امامان معصوم (ع) فرصت بیشتری جهت ترویج دین و تفسیر آیات الهی پیدا کردند. اما برخی معصومان همچون امامین عسکریین (ع) در دوران اختناق به سر می بردند و شرایط سیاسی و اجتماعی و توطئه‌های دشمنان موجب شد همگان از فیض وجود این حجت‌های الهی محروم بمانند. در عین حال می توان با کاوش در منابع کهن، گوهر سخنان و سیره آنان را اصطیاد کرد. میراث، ثراث و ارث هر سه به یک معنا هستند و بر آنچه پس از وفات شخصی از او به شخص دیگر منتقل می شود اطلاق شده است (زبیدی، ۱۹۹۴: ۲۷۷/۳). در این پژوهش میراث قرآنی امام هادی (ع) اعم از اقدامات، راهبردها، و سخنان آن حضرت در موضوعات مرتبط با تفسیر قرآن کریم مطمح نظر است.

در خصوص میراث روایی امام هادی (ع) تلاش‌های پژوهشی ارزنده‌ای صورت گرفته و در منابع تفسیر روایی ذیل برخی آیات، به طور پراکنده روایاتی از آن حضرت نقل شده است. همچنین زندگینامه و تحلیل وقایع اجتماعی و فتنه‌های معاصر آن حضرت مورد توجه محققان بوده و کتب و مقالات پرشماری در این زمینه به چشم می خورد. مهم ترین این آثار عبارتند از: «موسوعه کلمات الامام الهادی (ع)» از گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم؛ «موسوعة الامام الهادی» از اللجنة العلمیة فی موسسة ولی العصر للدراسات؛ با اشراف محمد حسینی قزوینی؛ «تحلیلی از زندگانی امام هادی (ع)» از باقر شریف قرشی؛ «نگاهی بر زندگی امام هادی (ع)»، محمد محمدی اشتهاردی؛ «دانشنامه امام هادی (ع)» از جمعی از نویسندگان؛ پایگاه تخصصی عاشورا؛ «تفسیر قرآن در کلام امام هادی (ع)» از مهدی سلطانی. در میان آثار یاد شده، تنها مورد اخیر به موضوع روایات تفسیری آن امام همام دست یازیده، اما صرفاً نقل روایات بدون تحلیل و بسیار مختصر است.

الف. امام هادی (ع) و تحولات عصر آن حضرت

امام هادی (ع) در نیمه ذی حجه سال ۲۱۲ق در اطراف مدینه متولد شد و در سال ۲۲۰ قمری پس از شهادت امام جواد (ع) در حالی که هشت ساله بود بر مسند امامت نشست. مدت امامت آن بزرگوار ۳۳ سال و عمر شریفش حدود ۴۱ سال بود. امام هادی (ع) در مدت امامت خود با چند تن از خلفای عباسی از جمله معتصم برادر مأمون، واثق پسر معتصم، متوکل برادر واثق، منتصر پسر متوکل، مستعین پسر عموی منتصر، معتز پسر دیگر متوکل معاصر بود که سرانجام به دست متوکل مسموم گردید و به شهادت رسید و در خانه خود به خاک سپرده شد (ابن کثیر، بی تا، ۱۵/۱۱؛ قمی، عباس، منتهی الآمال، ۱۳۸۲: ۴۶۳/۲).

در جایگاه رفیع آن حضرت به ذکر روایت تأویلی ذیل بسنده می‌شود که جابر جعفی از امام باقر علیه السلام در خصوص آیه شریفه ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾ نقل می‌کند که مراد از ۱۲ ماه، امامان دوازده‌گانه هستند. آن حضرت در ادامه، تعبیر «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» را بر چهار امامی که مزین به نام علی هستند تطبیق کردند (طوسی، الغیبه، ۱۴۱۱: ۱۴۹) بنابراین امام علی بن محمد نقی، یکی از چهار امامی هستند که حرمت و امتیاز ویژه‌ای در میان امامان معصوم به خود اختصاص داده است. روشن است که این بیان، تفسیر ظاهر آیه شریفه نیست و ناظر به بطن است. با این وجود برخی دانشمندان احتمال داده‌اند اشتقاق نام علی از اسماء حسناى الهی، رمز این برتری باشد (استرآبادی، بی‌تا، ۲۰۹).

ب. تراث قرآنی امام هادی علیه السلام

بدون شک تمامی امامان معصوم به‌عنوان «ترجمان القرآن» (مصباح الزائر، ۱۳۷۵: ۲۰۶) در تبیین آیات الهی از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. اما همان‌گونه که حجم زیادی از بیانات تفسیری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به‌دست ما نرسیده، عوامل متعددی دست به‌دست هم داده تا بشریت از میراث قرآنی و تفسیری معصومان نیز محروم بمانند. با این وجود آنچه از خلال منابع به‌دست می‌آید را می‌توان در چهار محور سامان داد:

۱. تربیت مفسر

بخشی از اصحاب و شاگردان امام هادی علیه السلام که تعداد آنها به ۱۸۰ نفر می‌رسد (شریف قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۸) قرآن‌پژوه یا مفسر هستند و بعضاً در زمینه علوم قرآنی یا تفسیر، صاحب تألیفات نیز بوده‌اند. در این میان می‌توان به ده شخصیت زیر اشاره کرد:

احمد بن محمد سیاری بصری از تألیفات قرآنی او می‌توان به ثواب القرآن و کتاب القرائات اشاره کرد. ناگفته نماند در وثاقت سیاری در میان اندیشمندان رجال گفتگوست (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۵۷). یکی از عوامل این اختلاف‌نظر، نقل روایات تحریف‌نما توسط نامبرده است که در ادامه این نوشتار خواهد آمد. همچنین بعید نیست منشأ این اختلاف، تشابه اسمی او با اسحق بن محمد بصری باشد (خویی، بی‌تا، ۲۲۸/۲).

ابن فضال کوفی (کبیر) دارای کتاب «الشواهد من کتاب الله و کتاب الناسخ و المنسوخ» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵).

ابن فضال کوفی (صغیر) نویسنده کتاب «التنزیل من القرآن و التحریف» (همان، ۲۵۸).
أبو جعفر محمد بن عیسی بن عبید یقطینی، دارای تألیفات بسیار، از جمله کتاب «تفسیر القرآن» است (خویی، بی‌تا، ۱۱۷/۱۷).



علی بن مهزیار اهوازی صاحب کتاب «حروف القرآن»؛ (ایشان عموی علی بن مهزیار مشهور است که تشریف او محضر امام زمان عج مشهور است) (همان: ۱۹۳/۱۲).
احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی نویسنده کتاب «الناسخ و المنسوخ» (کشی، ۱۴۰۴: ۵۱۲/۱).
ابن ارومه قمی، دارای کتاب «ما نزل فی القرآن فی امیر المؤمنین (علیه السلام)» و کتاب «تفسیر القرآن» (نجاشی، همان: ۳۳۰/۱).
حسین بن سعید اهوازی که بالغ بر سی کتاب به رشته تحریر در آورده و کتاب «التفسیر» از آن جمله است (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۵۰).

۲. اثر تفسیری

گذشته از روایات تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) که در منابع روایی و تفسیری نقل شده‌اند، تک‌نگاره‌های مستقلی نیز به برخی امامان معصوم نسبت داده شده است.
مهم‌ترین اثر قرآنی منسوب به امام هادی (علیه السلام) کتابی است در ۱۲۰ جلد یا باب که با املاء آن حضرت و نگارش برخی اصحاب، سامان یافته است. ابن شهر آشوب در شرح حال حسن بن خالد برقی (برادر محمد بن خالد برقی) گزارش می‌کند که از کتاب‌های او تفسیری به املاء امام در ۱۲۰ جلد است. اما از این کتاب حتی یک جلد هم در دسترس نیست. (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۹۶: ۳۴). کتابی که اگر اکنون به زیور طبع آراسته می‌شد تعداد مجلدات آن به مراتب بیش از این بود؛ البته احتمال می‌رود این اثر همان تفسیر امام عسکری (علیه السلام) باشد که از آن با «تفسیر الامام» یا «التفسیر المنسوب الی الامام العسکری» یاد می‌شود.
اشتراک لقب «عسکری» برای امام دهم و یازدهم، قرابت زمانی و همچنین املاء هر روزه روایات، قرآنی هستند که وحدت این دو کتاب را تقویت می‌کنند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷: ۲۲۰)؛ در مقابل، برخی صاحب‌نظران بر این باورند که این دو کتاب با یکدیگر فرق دارند. چراکه حسن بن خالد برقی (نگارنده این کتاب به املاء امام) در عصر امام هادی (علیه السلام) می‌زیسته و ۳۳ سال دوران امامت حضرت هادی (علیه السلام) فرصت مناسبی برای تدوین این کتاب بود؛ در حالی که بسیار بعید است برقی، امام عسکری (علیه السلام) را درک کرده و فرصتی برای تلمذ از محضر ایشان پیدا کرده باشد (امین، ۱۴۰۳، ۶۲/۵؛ تهرانی، محمد، ۱۴۰۳: ۲۸۳/۴).
به هر روی، در صورتی که این کتاب اختصاص به امام هادی (علیه السلام) داشته باشد میراث قرآنی عظیم و ارزشمندی بوده که مع الأسف از دسترس ما خارج است.

۳. مقابله با شبهات و انحرافات

دوران امام هادی (علیه السلام) بستر حوادث پر شمار و به لحاظ پدید آمدن نحله‌های متعدد، کم نظیر است. در تحلیل این آشفتگی، شاید بتوان به گسترش جغرافیایی اسلام و فتوحات بی‌رویه و غافل‌گیرکننده قرن پیشین اشاره کرد. بدون شک تحركات به ظاهر دوستانه اما در واقع سیاست‌مدارانه خلفای عباسی نیز در این ماجرا نقش عمده‌ای داشته است. به هر روی، در این بازه زمانی جهان اسلام آبهستن انحرافات و حوادث است. جالب توجه است که آن امام همام با بهره‌گیری از کلام وحی و با تمسک به قرآن کریم به‌عنوان رمز وحدت مسلمین، نقش امامت خود را در این فتنه‌ها ایفا نمودند که مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

یک. جبر و اختیار

سرچشمه اندیشه اشاعره و معتزله را باید در دوران بنی‌امیه جستجو کرد. اما نظر به اینکه نمود و همه‌گیری آن در قرن دوم اتفاق افتاد و در زمان امام هادی (علیه السلام) به یکی از موضوعات روز جامعه تبدیل شده بود، همگان به‌ویژه شیعیان، منتظر موضع‌گیری آن امام همام بودند. آن حضرت در این رابطه و در کلامی جامع با استناد به آیات نورانی قرآن می‌فرماید: «فَأَمَّا الْجَبْرُ فَهُوَ قَوْلُ مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَبَرَ الْعِبَادَ عَلَى الْمَعَاصِي وَ عَاقَبَهُمْ عَلَيْهَا وَ مَنْ قَالَ بِهَذَا الْقَوْلِ فَقَدْ ظَلَمَ اللَّهَ وَ كَذَّبَهُ وَ رَدَّ عَلَيْهِ قَوْلَهُ وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا وَ قَوْلُهُ جَلَّ ذِكْرُهُ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ مَعَ أَي كَثِيرَةٍ فِي مِثْلِ هَذَا» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۵۱/۲) «و اما جبر؛ پس این دیدگاه کسی است که گمان می‌کند حق تعالی بندگان را بر گناه وادار کرده و در عین حال آنها را مجازات می‌کند. چنین کسی خدا را ظالم و دروغگو پنداشته و خدای سبحان پاسخ او را با این آیه داده است: «و پروردگارت به احدی ظلم نمی‌کند» و همچنین آیه «این نتیجه عمل خود توست و قطعاً خدا به بندگان ظلم نمی‌کند» و آیات زیادی مانند این».

آن حضرت در فراز پایانی روایت فوق، مخاطبان را به آیات فراوان دیگری از قرآن کریم احاله می‌دهند تا چالش خودساخته مسلمانان در زمینه جبر و اختیار، بر مبنای قرآن حل و فصل شود.

افزون بر این طی یک روایت مفصل، با عرضه مدعای طرفین بر قرآن کریم، هریک از اندیشه‌ها را صحت‌سنجی کردند (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵۸) در این روایت شریف برای نفی اندیشه جبر، به فرازهای قرآنی همچون ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ (انعام: ۱۶۰)؛ ﴿الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ﴾ (غافر: ۱۷)؛ و ﴿أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ﴾ (بقره: ۸۵) استناد شده است. همچنین آن حضرت با اشاره به آیاتی همچون ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ (نساء: ۴۰)؛ ﴿لَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ﴾ (زمر: ۷)؛ و ﴿مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶) اراده تشریحی حق تعالی را اثبات نموده، تفویض معتزلی را به چالش کشیدند.



دو. مسئله خلق قرآن

چالش خلق قرآن نخستین بار توسط جعد بن درهم معلم محمد بن مروان آخرین خلیفه اموی مطرح شد. او نیز از ابان بن سمعان و او از طالوت بن اعصم یهودی فرا گرفته بود. در زمان مأمون و با حمایت او از معتزله و اندیشه مخلوق بودن قرآن به اوج خود رسید و به محنة القرآن مشهور شد و عده زیادی در این فتنه مجازات، شکنجه، اسیر یا کشته شدند (سیوطی، بی تا، ۳۰۶).

امام هادی علیه السلام طی نامه‌ای به یکی از شیعیان، آنان را از ورود به این گونه مجادلات بی ثمر، منع کردند و در اثر این تدبیر امام، شیعیان از عواقب این فتنه در امان ماندند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَصَمْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ مِنَ الْفِتْنَةِ فَإِنْ يَفْعَلْ فَقَدْ أَغْطَمَ بِهَا نِعْمَةً وَإِنْ لَا يَفْعَلْ فَهِيَ الْهَلَكَةُ نَحْنُ نَرَى أَنَّ الْجِدَالَ فِي الْقُرْآنِ بِدْعَةٌ اشْتَرَكَ فِيهَا السَّائِلُ وَالْمُجِيبُ فَيَتَعَاطَى السَّائِلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَتَكَلَّفُ الْمُجِيبُ مَا لَيْسَ عَلَيْهِ وَ لَيْسَ الْخَالِقُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا سِوَاهُ مَخْلُوقٌ وَ الْقُرْآنُ كَلَامُ اللَّهِ لَا تَجْعَلْ لَهُ اسْمًا مِنْ عِنْدِكَ فَتَكُونَ مِنَ الضَّالِّينَ جَعَلْنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ مِنَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ» (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۲۴)؛ به نام خدای بخشاینده مهربان؛ خدا ما را و تو را از فتنه نگه دارد که اگر چنین کند چه نعمت بزرگی است و اگر نکرد هلاکت است. به نظر ما جدال درباره قرآن بدعت است که پرسنده و پاسخ‌دهنده در آن شریکند. پرسش‌کننده چیزی خواسته که حقش نیست و جواب‌دهنده متحمل چیزی شده که بر عهده ندارد. خالق جز خدا نیست و غیر او همه مخلوق است. قرآن همان کلام خداست؛ نامی از پیش خود بر آن مگذار مبادا از گمراهان باشی. خدا ما و تو را از آنها که در نهان از پروردگار خود بترسند و از قیامت در هراسند قرار دهد.

حجت دهم حضرت حق، راهبرد «پرهیز از فتنه» را در نامه فوق به شیعیان ابلاغ کرد و آنان توانستند از این مرحله حساس و خطرناک به سلامت عبور کنند. در پایان نیز با استناد به موعظه‌ای از قرآن کریم، همگان را به ارتقاء باورهای دینی، خودکنترلی، کرنش در برابر حق متعال و یاد رستاخیز فرا می‌خواند.

سه. فرقه‌های انحرافی

چنان‌که گذشت، در دوره امامت آن حضرت، جریان‌های انحرافی پرشماری تشکیل شد یا مشغول فعالیت و یارگیری از میان مسلمانان بود. مهم‌ترین این فرقه‌ها عبارتند از: صوفیه، غلات، واقفیه، مجسمیه، نفیسیه، سکاکیه، قرطیه، مرجئه، کرامیه، نمیرییه و مبرقعیه (مشکور، ۱۳۷۲: ۲۲۰).

سیاست امام هادی علیه السلام اتخاذ موضع صریح و در عین حال بهره‌گیری از مسلمات و مقبولات همچون آیات نورانی قرآن کریم و همچنین دلیل عقلی جهت تنویر افکار عمومی بود.

به‌عنوان نمونه آن حضرت در پاسخ نامه ابراهیم بن محمد همدانی که گزارشی از برخی چالش‌ها و شبهات مجسمه درباره توحید و اختلافات شیعیان برای حضرت نوشته بود، چنین پاسخ دادند: «سُبْحَانَ مَنْ لَا يَحُدُّ وَلَا يوصَفُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰)؛ پاک و منزه است آنکه به اندازه در نیاید و او را وصف نتوان نمود و چیزی مانند او نیست و او است شنوای دانا.

همچنین حکایت شده امام هادی علیه السلام در مسجد النبی و در جمع اصحاب خود نشسته بودند که جمعی از صوفیه داخل مسجد شدند و حلقه زدند و مشغول ذکر گردیدند. آن حضرت در یک موضع گیری صریح و دور از انتظار فرمودند: «لَا تَلْتَفِتُوا إِلَيَّ هَؤُلَاءِ الْخُدَّاعِينَ فَإِنَّهُمْ خُلَفَاءُ الشَّيَاطِينِ وَ مُخَرَّبُوا قَوَاعِدِ الدِّينِ»؛ به این حيله گران اعتنا نکنید؛ زیرا جانشینان شیاطین و خراب‌کننده قواعد دین می‌باشند.

حضرت در ادامه، لباس مخصوص صوفیان و اذکار و اوراد آنان را ابزاری برای فریب عوام مردم توصیف کردند و سپس فرمودند: «فَلَا يَتَّبِعُهُمْ إِلَّا السَّفَهَاءُ وَ لَا يَعْتَقِدُهُمْ إِلَّا الْحَمَقَاءُ فَمَنْ ذَهَبَ إِلَى زِيَارَةِ أَحَدٍ مِنْهُمْ حَيًّا أَوْ مَيِّتًا فَكَأَنَّمَا ذَهَبَ إِلَى زِيَارَةِ الشَّيْطَانِ وَ عِبَدِهِ الْأَوْثَانِ وَ مَنْ أَعَانَ أَحَدًا مِنْهُمْ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ يَزِيدَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ أَبَاسُفِيَانَ»؛ کسی به‌سوی آنها میل نکند و تابع ایشان نگردد، مگر آنکه از جمله سفیهان و احمقان باشد. هر کس به زیارت یکی از آنان در حال حیات و یا بعد از مرگ برود، مانند آن است که به زیارت شیطان و بت پرستان رفته باشد و هر کس یاری ایشان کند، گویا یزید و معاویه و ابوسفیان را یاری کرده است».

امام هادی علیه السلام در پایان و پس از یک سؤال و جواب، با استناد به آیه‌ای از قرآن کریم فرمودند: «الصَّوْفِيَّةُ كُلُّهُمْ مِنْ مُخَالِفِينَ وَ طَرِيقَتُهُمْ مُغَايِرَةٌ لَطَرِيقَتِنَا وَ إِنْ هُمْ إِلَّا نَصَارَى وَ مَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَيْكَ الَّذِينَ يَجْهَدُونَ فِي إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَتِمُّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (قمی: ۵۸/۲، مدخل صوف) تمام صوفیان مخالف ما هستند و طریقه آنها باطل و برخلاف طریقه ما است و این گروه، نصارا و مجوس این امت هستند و آنان سعی در خاموش کردن نور خدا می‌کنند و خداوند نور خود را تمام می‌کند، هر چند کافران خوش ندارند».

در این ماجرا، دو نکته قابل توجه است:

اول آن که در دو موضع از این روایت، تصریح به ارتباط صوفیان با دستگاه ابلیس شده است. یکی تعبیر «خُلَفَاءُ الشَّيَاطِينِ» که احتمال می‌رود «خُلَفَاءُ الشَّيَاطِينِ» به معنای هم‌پیمان با شیاطین باشد و دیگری تشبیه زیارت آنان به زیارت ابلیس. این سرنخی که حضرت هادی علیه السلام بدان اشاره



می‌کنند پرده از حقیقت تلخی برمی‌دارد که امروز، فرقه پژوهان به ابعاد پیچیده تری از آن دست یافته‌اند و به اثبات رسانده‌اند که اکثر فرقه‌های انحرافی بدون یاری طلبی از شیاطین نمی‌توانند کاری از پیش ببرند و از همین رهگذر یکی از بهترین شیوه‌های رهایی از آنان را تلاوت قرآن و توسل و ذکر و دعا و نماز می‌دانند (مظاهری سیف، ۱۳۹۵: ۵۵).

دوم آنکه راهبرد تمامی فرقه‌های معاند را با بهره‌گیری از یک آیه قرآن به‌صراحت بیان کردند تا تمامی مسلمانان بدانند که این فرقه‌ها همگی به نوعی از شرک آلوده‌اند و سعی در نابودی توحید دارند که البته ناکام خواهند ماند.

چهار. پندار تحریف قرآن

شبهه تحریف قرآن گرچه از صدر اول و در پی ادعای برخی صحابه مطرح شد (سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۳۲/۳) اما در قرن دوم بر سر زبان‌ها افتاد و برخی مسلمانان یکدیگر را متهم به این باور نادرست کردند و این پندار هنوز ادامه دارد.

در زمان امام هادی (ع) دو گروه از مسلمانان بر پندار تحریف دامن می‌زدند: حشویه از اهل سنت و غلات از شیعه. تا جایی که در میان اهل سنت، بخاری و مسلم به نقل نمونه‌هایی از ادعای تحریف قرآن پرداخته‌اند و از شیعه نیز شخصی همچون احمد سیاری از پیروان امام هادی (ع) در کتاب القرائات خود روایات موهم تحریف را حکایت کرده است (سیوطی، ۱۴۲۶: ۲۴۳/۱).

راهبرد مواجهه امام هادی (ع) با این پندار، تأکید بر مسئله «عرضه بر قرآن» است. بدین معنا که هر مطلب مشکوک و حتی هر روایتی جهت راستی‌آزمایی باید بر قرآن کریم عرضه شود. طبیعتاً کبرای این استدلال، مصونیت قرآن از تحریف است؛ چراکه اگر قرآن تحریف شده باشد نمی‌تواند معیار صحت و سقم روایات و سایر اندیشه‌ها قرار گیرد. آن حضرت تمسک همگان بر قرآن کریم را ملاک صحت‌سنجی روایات و رمز وحدت جامعه اسلامی و پیشگیری از انحراف برشمردند:

«الْقُرْآنُ حَقٌّ لَا اخْتِلَافَ بَيْنَهُمْ فِي تَنْزِيلِهِ وَ تَصْدِيقِهِ فَإِذَا شَهِدَ الْقُرْآنُ بِتَصْدِيقِ خَبْرٍ وَ تَحْقِيقِهِ وَ أَنْكَرَ الْخَبَرَ طَائِفَةٌ مِنَ الْأُمَّةِ لَزِمَهُمْ الْإِقْرَارُ بِهِ ضَرُورَةً حِينَ اجْتَمَعَتْ فِي الْأَصْلِ عَلَى تَصْدِيقِ الْكِتَابِ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵۸)

قرآن همان حقی است که تنزیل و تصدیق آن عاری از هر مخالفتی می‌باشد؛ بنابراین هرگاه قرآن به تأیید و حقیقت حدیثی گواهی دهد و فرقه‌ای همان حدیث را رد کند، بنا بر اصل «اجماع و اتفاق بر درستی قرآن» باید آنان به درستی آن اقرار نموده و اعتراف نمایند.

بر این اساس، قرآن کریم تنها در صورتی می‌تواند معیار تشخیص حق از باطل باشد که از هر تحریف و زیاده یا نقیصه‌ای پیراسته باشد.

پنج. مسئله امامت

«تعمیق باورداشت امامت» در شیعه در قالب «انشاء زیارت» را می‌توان از مهم‌ترین اقدامات امام هادی علیه السلام به‌شمار آورد. به‌ویژه زیارت جامعه کبیره در امامت عامه و زیارت غدیریه در امامت خاصه. رویکرد قرآنی در این دو زیارت نمود بالایی دارد. چنان‌که در زیارت جامعه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، ۸۵ مرتبه به آیات قرآن کریم استناد شده است. زیارت غدیریه نیز امر امامت را با استناد به آیات متعدد قرآن تبیین می‌نماید تا توهم نشود امامت اهل بیت علیهم السلام به شیعه اختصاص دارد. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۲۶۴)

در این زیارت طولانی، ۵۴ آیه قرآن مستقیماً مورد استفاده قرار گرفته و ده‌ها آیه نیز به‌صورت تضمین و غیر مستقیم ذکر شده است. این گنجینه ارزشمند و کم نظیر، امر ولایت امیر مؤمنان علیه السلام را جمله به جمله بر آیات قرآن منطبق کرده تا قابل ارائه برای سایر مسلمین نیز باشد. آن حضرت همچنین در زیارتی که در مفاتیح الجنان با عنوان زیارت پنجم امام علی علیه السلام از آن یاد شده (قمی، ۱۳۸۴: ۶۹۸) و با عبارت «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ» آغاز می‌شود، با استناد به آیه ۲۸ سوره انبیاء، جایگاه شفاعت و مقام محمود را بر امامان معصوم علیهم السلام تطبیق می‌کنند: «إِنَّ لِي دُئُوبًا كَثِيرَةً فَأَشْفَعُ لِي إِلَى رَبِّكَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَ شَفَاعَةً وَ قَالَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادُوا وَ هُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ» (قمی، ۱۳۵۶: ۴۵).

در سایر بیانات و نامه‌های آن حضرت در موضوعات مختلف نیز استنادات پرشماری به آیات امامت همچون آیه تطهیر، آیه ولایت، آیه علم الکتاب، و ... مشاهده می‌شود (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵۸). شایان ذکر است همه امامان در عین تأکید بر حقانیت مسئله امامت و معرفی مخالفان، مراقب دسیسه‌های برخی منافقان جهت ایجاد رخنه و اختلاف در امت اسلامی بوده‌اند. امام هادی علیه السلام نیز در جای‌جای سخنان خود علاوه بر اثبات امامت، به شفاف‌سازی در خصوص مخالفان اهل بیت علیهم السلام پرداخته‌اند و با استناد به آیاتی همچون ۵۷ احزاب، ۹۸ هود، و ۱۲ سجده، مرز میان دوستان و دشمنان را مشخص کرده‌اند. با این وجود اندیشه تقریب مذاهب و صیانت از وحدت بین مسلمانان در سیره و سخنان آن حضرت موج می‌زند. نمونه بارز این رویکرد را می‌توان در توطئه متوکل مشاهده کرد که دستور داد مردم را جمع کنند و از او در حضور مردم سؤال شود مصداق آیه شریفه «يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ» چه کسانی هستند؟ پیش بینی متوکل این بود که اگر آن حضرت نامی از مخالفان اهل بیت علیهم السلام برد، با عموم مردم و بزرگان اهل سنت روبه‌رو خواهد شد و اگر غیر آن را بفرماید با واکنش یاران خود مواجه می‌شود. اما با این پاسخ حکیمانه امام مواجه شد که توطئه او و پیروانش را به زیبایی



خنثی کرد: «هَذَانِ رَجُلَانِ كُنِّي عَنْهُمَا وَ مَنْ بِالسُّتْرِ عَلَيْهِمَا أَفِيحِبُّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَكْشِفَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ فَقَالَ لَا أُحِبُّ» (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۱۴/۵۰)؛ اینان کسانی هستند که خدا با کنایه از ایشان سخن گفته است و بر ایشان منت نهاده و عیبتان را پوشانده است. آیا امیر می خواهد آنچه را خدا پوشانده، آشکار کند؟ متوکل گفت: نه، نمی خواهم.

۴. بیانات قرآنی

اهل بیت رسول خدا | همواره بر این مهم تأکید کرده اند که جز در چارچوب آیات قرآن سخن نمی گویند و گفتار و رفتارشان منطبق با کلام وحی است (کلینی، بی تا، ۶۰/۱). از این رو می توان ادعا کرد تمامی سخنان معصومان (علیهم السلام) به طور مستقیم یا غیر مستقیم ریشه در قرآن کریم دارد. ناگفته نماند بهره گیری آن حضرت از واژگان و عبارات کوتاه قرآنی نیز به نوبه خود تفسیر آیات محسوب می شود. به عنوان نمونه در نامه ای که ایشان به طرفین دعوی جبر و اختیار می نویسند عبارت «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَ عَلَيَّ مِنَ اتَّبَعِ الْهُدَى» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۵۱/۲) برگرفته از آیات سوره طه به کار رفته است. بیانات قرآنی آن امام همام، گونه های متعددی دارد که مهم ترین آنها عبارت اند از:

یک. توصیف قرآن

منابع حدیثی از ابن الرضا (علیه السلام) در تبیین جایگاه رفیع کلام وحی، سخن مشهور ذیل را حکایت کرده اند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لَزْمَانَ دُونَ زَمَانٍ وَ لَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (طوسی، ۱۴۰۴: ۵۸۱) خدای متعال قرآن را مخصوص زمانی خاص غیر از زمان های دیگر و مردمانی جز مردمان دیگر، قرار نداده؛ به همین جهت است که در هر زمان، نو و جدید و در نزد هر قوم تا روز قیامت تازه است.

اندیشمندان علوم قرآنی از کلام نورانی فوق، در جهت اثبات جامعیت و جاودانگی و جهانی بودن قرآن بهره جسته اند (نجارزادگان، ۱۳۸۳: ۳۵) گفتنی است گرچه برخی محققان بانندکی تسامح، سه اصطلاح یاد شده را به یک معنا به کار می برند اما تفکیک این سه، اجتناب ناپذیر به نظر می رسد؛ زیرا مراد از جامعیت قرآن، گستره موضوعی، جاودانگی گستره زمانی و جهانی بودن، گستره مکانی و مخاطبان قرآن کریم است. (مصباح، ۱۳۹۱: ۲۷۳/۲).

۱. طبیعی است که گونه های یاد شده، بلحاظ منطقی قسیم یکدیگر نیستند بلکه غرض نگارنده، تنويع و اشاره به مهم ترین گونه هاست.

دو. شرح و تفسیر

تبیین مراد الهی از آیات قرآن کریم گاهی در قالب بیان مصداق یا مفهوم واژگان است؛ مانند پرسشی که ابراهیم بن عنبسه از ایشان مطرح کرد که مراد از «میسر» در آیه شریفه ﴿يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ﴾ (بقره: ۲۱۹) چیست و آن حضرت چنین پاسخ دادند: «كُلُّ مَا قَوْمِي بِهِ فَهَوُّ الْمَيْسِرِ وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ» (حویزی، ۱۴۱۵: ۲۱۰/۱)؛ هرچه با آن قمار شود، میسر است و هر مست‌کننده‌ای حرام است.

گاهی نیز مضمون عبارت یا آیه‌ای از قرآن در کلام آن حضرت منعکس شده است. مانند آنچه در شرح آیه ۱۰۸ سوره بقره از آن حضرت نقل شده (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۰۳/۱) یا آنچه در شرح آیه ۶۷ زمر و فراز «السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» با استناد به آیات دیگر قرآن کریم و روش قرآن به قرآن، بیان فرموده‌اند. (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۴).

سه. تأویل آیات

بر اهل فن پوشیده نیست که تأویل قرآن به معانی ماورایی و باطنی اشاره دارد که با استناد به قواعد ظاهری فهم قرآن، دستیابی به آنها مقدور نیست. از این رو تأویل مصطلح، در انحصار کلام معصوم است. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

در باره گناه نسبت داده شده به پیامبر در آیه دوم سوره فتح و عبارت ﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾ از امام هادی (علیه السلام) سوال شد و آن حضرت در تأویلی لطیف چنین پاسخ دادند: «أَيُّ ذَنْبٍ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَ مُتَقَدِّمًا أَوْ مُتَأَخَّرًا وَإِنَّمَا حَمَلَهُ اللَّهُ ذُنُوبَ شَيْعَةِ عَلِيٍّ (علیه السلام) مِمَّنْ مَضَى مِنْهُمْ وَ بَقِيَ ثُمَّ غَفَرَهَا لَهُ» (کراجکی، ۱۴۱۰: ۳۴)؛ پیامبر خدا! کدام گناه گذشته و آینده‌ای دارد؟ این گناهان گذشته و آینده شیعیان علی (علیه السلام) است که خدا آن را بر دوش پیامبر می‌نهد و از همه به خاطر او در می‌گذرد.

روشن است که این معنا در عرض معانی تفسیری آیه شریفه قابل قبول است و منافاتی با آنها ندارد. اوج تأویلات قرآنی آن حضرت را می‌توان در زیاراتی همچون «زیارت جامعه کبیره» و «زیارت غدیریه» مشاهده کرد. به عنوان نمونه فراز «إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ» در زیارت، ناظر به آیه شریفه «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ» (غاشیه، ۲۵) است و عبارت «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۶۴) به آیات آغازین سوره نبأ اشاره دارد.

چهار. شرح قصص قرآنی

در این قسمت به گزارشی از گفتگوی شنیدنی میان حضرت یعقوب و حضرت یوسف (علیه السلام) اکتفا می‌شود. از امام هادی (علیه السلام) نقل شده حضرت یعقوب پس از طی شدن دوران فراق یوسف و ملاقات با او،



خاطرات گذشته را مرور کرد و از او پرسید: برادران تو پس از آن که از من جدا شدی، با توجه کردند؟ یوسف نبی تقاضا می‌کند از بازگویی این خاطره تلخ معاف شود اما با اصرار حضرت یعقوب مواجه می‌شود و ماجرا را چنین حکایت می‌کند: «إِنَّهُمْ لَمَّا أَدْنُونِي مِنَ الْجُبِّ قَالُوا: انزِعِ الْقَمِيصَ فَقُلْتُ لَهُمْ يَا إِخْوَتِي اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُجْرِدُونِي فَسَلُّوا عَلَيَّ السَّكِينِ وَقَالُوا لئن لَمْ تَنْزِعْ لَنَذْبَحَنَّكَ فَتَزَعْتُ الْقَمِيصَ وَالْقَوْنِي فِي الْجُبِّ غُرِيانًا؛ فَشَهَقَ يَعْقُوبُ شَهْقَةً وَأَغْمَى عَلَيْهِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۴۹/۳)؛ وقتی مرا نزدیک چاه بردند، گفتند: پیراهنت را بیرون بیاور، گفتم: ای برادران! از خدا بپرهیزید و مرا برهنه مسازید، آنها چاقویی بیرون آورده و گفتند: پیراهنت را بیرون می‌آوری یا سرت را از بدن جدا کنیم؟ به ناچار پیراهنم را بیرون آوردم و آنها مرا برهنه در چاه افکندند. در این وقت یعقوب ناله‌ای از دل برکشید و بیهوش شد. در ادامه، بار دیگر حضرت یعقوب (ع) تقاضای خود را تکرار می‌کند اما یوسف او را به خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب سوگند می‌دهد که از این مطلب درگذرد و در این وقت بود که یعقوب او را معذور داشت و از شنیدن بقیه ماجرا چشم‌پوشی کرد.

نقل این‌گونه جزئیات از قصص قرآنی، در خلال روایات اهل بیت (ع) مغتنم بوده، از آن روی که مشتمل بر نکات تربیتی و اخلاقی نیز هست، لازم است مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

پنج. استناد به الفاظ قرآنی

در خلال سخنان گهربار آن حضرت مواردی مشاهده می‌شود که نمی‌توان نام تفسیر یا تأویل بر آنها نهاد؛ بلکه با استناد به الفاظ به‌کار رفته در قرآن کریم، مطلب جالب توجهی از قرآن کریم استنباط شده است. به‌طور مثال روایت شده متوکل روزی یک نویسنده نصرانی به نام ابا نوح را صدا کرد. این حرکت او واکنش اطرافیان را در پی داشت که معتقد بودند با کنیه خواندن اهل کتاب، روا نیست. متوکل استفتا کرد و پاسخ‌های گوناگون شنید. از امام هادی (ع) نیز آن را پرسید. امام (ع) در پاسخ نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ» متوکل فهمید که این کار مانعی ندارد؛ زیرا خدا کافر را با کنیه خوانده است (مجلسی، ۱۳۸۵: ۳۹۱).

همچنین نقل شده متوکل عباسی به بیماری شدیدی مبتلا شد و نذر کرد در صورت شفا یافتن، «مال کثیری» در راه خدا صدقه دهد. پس از بهبودی، از اطرافیان خود پرسید چه میزان صدقه باید بدهد و هر (ع) یک از آنان رقمی پیشنهاد کردند و در نتیجه اختلاف بالا گرفت؛ اینجا بود که پیشنهاد مکاتبه با امام هادی (ع) مطرح شد و آن حضرت در پاسخ، با استناد به آیه ۲۵ سوره مبارکه توبه چنین نگاه‌اشتند: «قَالَ اللَّهُ لِرَسُولِهِ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَالْمَوَاطِنُ الَّتِي نَصَرَ اللَّهُ رَسُولَهُ ص فِيهَا ثَمَانُونَ مَوْطِنًا فَثَمَانُونَ دِرْهَمًا مِنْ جِلَّةِ مَالٍ كَثِيرٍ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۸۴/۲).

در این پاسخ، استعمال لفظ کثیر درباره مواضعی که خدای سبحان پیامبرش را یاری کرده، مورد استناد حضرت در تبیین مصداق این واژه قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد چنین بهره‌برداری از قرآن کریم نه از باب تفسیر است و نه تأویل؛ بلکه صرف استناد به آیات الهی در موارد خاص است که جز از معصومان چنین برداشت‌هایی از قرآن پذیرفته نخواهد بود.

۶. پاسخ به سؤالات قرآنی

افرادی همچون یحیی بن اکثم در تلاش بودند با طرح معماها و شبهات قرآنی، امام هادی (علیه السلام) را مغلوب، و اهداف سیاسی خویش را تأمین نمایند. چنان‌که خود آن حضرت در پاسخ یکی از نامه‌های او پرده از این نیت شوم برداشتند: «أَتَانِي كِتَابُكَ وَ مَا أَمْتَحَنْتَنَا بِهِ مِنْ تَعَنُّتِكَ لِتَجِدَ إِلَى الطُّغْنِ سَبِيلًا إِنْ قَصَرْنَا فِيهَا وَ اللَّهُ يَكْفِيكَ عَلَى نَيْتِكَ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۷۶) نامه‌ات رسید که می‌خواستی ما را آزمایش علیه السلام کنی تا اگر نتوانستیم جواب بدهیم بر ما خرده بگیری؛ خداوند بر این نیت تو را کیفر می‌نماید.

در عین حال این‌گونه مکاتبات و محافل پرسش و پاسخ، زمینه را برای پاسخگویی ایشان به سؤالات قرآنی مهیا کرد. اینک به نمونه‌های سودمندی از آن اشارت می‌رود:

در آیه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» آیا پیامبر الهی حضرت سلیمان علیه السلام به علم آصف بن برخیا نیازمند بود؟ خیر؛ بلکه او می‌خواست به امت خود از جئیان و انسان‌ها بفهماند که حجت بعد از او آصف بن برخیا است.

درباره آیه «وَ رَفَعَ أَبُوبِيهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا» آیا پیامبری همچون حضرت یعقوب بر فرزند خود سجده می‌کند؟ این سجده، تشکر و اطاعت از خدا بود و علاقه به یوسف؛ چنانچه سجده ملائکه برای آدم برای خود آدم نبود. اطاعت امر خدا و محبت برای آدم بود.

خداوند در آیه «فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يُرْوُونَ الْكِتَابَ» (یونس: ۹۴) به چه کسی خطاب می‌کند؟ اگر مخاطب پیامبر است چگونه آن حضرت شک داشته و اگر مخاطب دیگری است پس بر چه کسی کتاب نازل شده است؟ مخاطب در آیه، پیامبر اکرم است و شکی در مورد انزال کتاب نداشته؛ اما مردم نادان می‌گفتند چرا خداوند پیامبری از جنس فرشته‌ها نفرستاده است؟ اکنون بین ما و پیامبر خدا فرقی نیست که او از خوردن غذا و آشامیدن و راه رفتن در بازارها بی‌نیاز باشد. خداوند به پیامبرش وحی می‌نماید از آنها که کتاب می‌خوانند سؤال کن؛ یعنی از آنها پرس که آیا خدا پیامبری را قبل از تو فرستاده جز اینکه غذا می‌خورده و در بازارها رفت و آمد داشته است؟ (تو نیز مانند آنها هستی) اما اینکه فرموده است «فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ» در واقع مباحثات با خصم است (همان).



نتیجه‌گیری

آنچه گذشت گزارشی بود از میراث بی‌نظیر امام هادی (ع) در زمینه معارف قرآنی که بدون شک آنچه واقع شده فراتر از اینهاست. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت اگر تدابیر امام هادی و سایر امامان (ع) نبود، جامعه شیعه را یارای مواجهه با انحرافات و شبهات به‌ویژه در زمینه تفسیر قرآن نبود و چه‌بسا در گرداب حوادث اثری از آموزه‌های اصیل قرآنی باقی نمی‌ماند. بدون تردید، راهبرد امام هادی (ع) از قرآن کریم اخذ شده بود و تا پایان نیز بر همان مدار حرکت کرد. حفظ وحدت مسلمین، صیانت از آموزه‌های ناب قرآن و عترت، حفظ جان شیعیان، کادرسازی، روشنگری، و دعوت علمی و عملی به دین مبین اسلام از مهم‌ترین این راهبردهاست. امامان نور، رسالت خود را بی‌کم و کاست ادا کردند و از دین و قرآن پاسداری نمودند؛ هرچند انعکاس این تلاش‌ها در لابه‌لای صفحات تاریخ کمرنگ شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، التوحید، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین، قم: آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۹۶ ق.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۷۵ ش.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۷. ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
۸. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۹ ق.
۹. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. آقابزرگ تهرانی، محمد، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. امین، محسن، أعیان الشیعة، چاپ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بی نا، بی جا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۴ م.
۱۶. سمرقندی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه،



بی تا.

۱۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الإیقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۱۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۱۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، بیروت: دارالحوراء، ۱۳۸۲ق.
۲۰. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام هادی (ع)، تهران: کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، ۱۳۷۱ش.
۲۱. طباطبایی، سیدحیدر، پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، قم: نشر مشهور، ۱۳۸۷ش.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۳. طوسی، محمدبن الحسن، الأمالی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۲۴. طوسی، محمدبن الحسن، الغیبه، قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۲۵. طوسی، محمدبن الحسن، الفهرست، نجف و قم: مكتبة المرتضوية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: نشر اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۲۸. فیض کاشانی، ملا محسن، التفسیر الصافی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
۲۹. قمی، عباس، سفینه البحار، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۳۰. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم: انتشارات مشرقین، ۱۳۸۴ش.
۳۱. قمی، عباس، منتهی الآمال، قم: نشر نسیم حیات، ۱۳۸۲ش.
۳۲. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
۳۳. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران: ترجمه سید جواد مصطفوی، بی تا.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: المكتبة الاسلامية، ۱۳۸۵ش.
۳۶. محمدی اشتهاردی، محمد، نگاهی بر زندگی امام هادی (ع)، قم: نشر نور حکمت، ۱۳۷۷ش.
۳۷. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، چاپ دوم،

۱۳۷۲ش.

۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)،

۱۳۹۱ش.

۳۹. مظاهری سیف، حمیدرضا، معنویت‌های نوظهور، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۵ش.

۴۰. نجارزادگان، فتح‌الله، تفسیر تطبیقی، قم: نشر مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ش.

۴۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، چاپ ششم، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة

العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ش.